

فریادی آرام

محمدرضا امیدی (Behzad)

www.ketab.ir

سرشناسه: امید، محمدرضا، ۱۳۶۶-

عنوان و نام پدیدآور: فریادی آرام/ محمدرضا امیدی

مشخصات نشر: دزفول، اهورا قلم، ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: ۱۹۷ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س م

شابک: ۰۰-۳۸-۷۱۲۵-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴

رده بندی کنگره: ۴ ۱۳۹۳ ف ۸۲۶ م/ PIR ۸۳۳۴

رده بندی دیویی: ۸۶۱/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۵۹۸۵۳



عنوان: فریادی آرام

مؤلف: محمدرضا امیدی

انتشارات: اهورا قلم

نوبت چاپ: اول - بهار ۱۳۹۴

چاپ: افق بی پایان

قطع: رقعی

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

شابک: ۰۰-۳۸-۷۱۲۵-۶۰۰-۹۷۸

ISBN: 978-600-7125-38-0

ahoora.ghalam@yahoo.com

پست الکترونیک ناشر:

www.ahoora-ghalam.ir

نشانی اینترنتی:

آدرس: دزفول، خ اکباتان، بین خ میرداماد و خ قاضی، کوچه بنفشه، پلاک ۱۹۴

شماره تماس: ۰۹۱۶۶۴۱۵۸۹۴ - ۰۶۱۴۲۲۴۹۱۲۴

فهرست

۱	مقدمه
۶	ستایش
۱۲	سکوت
۱۸	شعایی
۲۲	گرین
۲۸	فقط تو را دارم
۳۱	بر فراز دنیا
۳۶	شیرینه می شود دلتی ها
۴۲	گلستان یا مرداب
۴۷	بابونه
۵۵	آرزو
۵۹	آسمان
۶۱	من به دنبال کی؟
۶۶	خواب
۷۱	نمره ی صد
۷۴	گورستان
۷۷	نامه ای به پدر جان
۸۱	ترس
۸۵	بهونه
۹۰	ده خراب
۹۵	به دنبال چه می گردید؟

۱۰۰	سهام عشق
۱۰۴	نیمه‌ی ناپیدا
۱۱۰	گریه‌ی بیچه
۱۱۴	شهر شلوغ
۱۱۸	حیف از من
۱۲۲	خوش به حال مردم شد
۱۲۸	شاریک جان
۱۳۱	همه‌ی اینجا که پیوده نیست
۱۳۶	شب‌های سیاه
۱۴۳	بی‌انجام در خونیم و لای و چرک
۱۴۶	انرژی می‌خواهم
۱۴۹	زمین
۱۵۶	نسیم
۱۶۴	من همان سیاهی‌ام که باید باشم
۱۶۶	خانه‌ی خوب
۱۷۹	دشمن
۱۷۸	ایستادگی
۱۸۶	آخرین تیر
۱۸۹	فال نیک
۱۹۴	رنگ آراسته شد گفتار من

مقدمه

با عرض سلام

با توجه به نزدیک بودن و سادگی زبان کتاب، شما کم و بیش به دیدگاه‌ها و اندیشه‌های این کتاب پی خواهید برد. علاوه بر این جایز دانستم نکاتی چند به حضور شما برسانم.

چیزی که مورد اهمیت بوده است جایگاه و خاستگاه انسان می‌باشد متمایز با بقیه‌ی موجودات. انسان برخلاف موجودات غیرزنده که ساکن و میلی به حرکت ندارند "همیشه در حال حرکت"، رشد و پیشرفت می‌باشد و با توجه به اینکه انسان دارای عقل برخلاف دیگر موجودات زنده هست؛ این سیر و حرکت انسان را از زشتی و فانی بودن به سوی زیبایی و جاودانگی سوق می‌دهد. (ذات انسانی).

البته باید دانست انسان حرکتی عرضی و گرایشی مثلاً سو به آرامی (فرار از فرو پاشیدن و تب و تاب) تازگی (فرار از تکرار) هم انجام می‌دهد که بر مبنای اهداف کلی و رو به جلوی انسان (زیبایی و جاودانگی) انجام می‌گیرد.

با توجه به اصل حرکتی و ذات انسانی، انسان دست به وجود زیبایی و جاودانگی می‌زند. از جمله می‌توان به پدید آوردن هنر، تولید مثل، کشف، اختراع و ... نام برد. انسان همواره چنین کارها را نیک و خوب و برخلاف این زشت و بد توصیف می‌کند و نیکی و خوبی کردن را تکلیف و وظیفه‌ی خود می‌گزارد تا

توشه‌ای شود برای رسیدن به اهداف، و هر چه توشه‌ی او سنگین‌تر باشد به سهم بیشتری از زیبایی و جاودانگی می‌رسد که موجب خوشحالی ذهن می‌شود.

اما در این سیر و حرکت انسان دچار ابهامات و موانعی می‌شود که برای رفع آنها وارد عمل می‌شود، چه بسا این اشتباه ذهنیت است که با برخورد به این ابهامات آنها را غم، درد، بلا و ... تعبیر می‌کنیم؛ زیرا انسان با عبور بر همین موانع به تکامل و رشد و تجربیات، و به بزرگتر شدن بینش خود کمک می‌کند و سو به پیشرفت سوق می‌یابد.

در این سیر و حرکت، کنش و واکنش‌ها تضادی به وجود می‌آید. زشت یا زیبا بودن یا نبودن؛ راست یا دروغ؛ بهترین‌ها یا بدترین‌ها؛ می‌ماند یا می‌رود؛ درست یا غلط؛ انجام بدهیم یا ندهیم و ... که ذهن انسان را به اصل واقعیت و دانستن وامی‌دارد. و اگر انسان از حقیقت به دور باشد سرگردان می‌ماند و به نوعی می‌توان گفت به جای حرکت رو به جلو به دور خود می‌چرخد. (نرسیدن به اهداف)

امید را می‌توان لازمه‌ی این رشد و حرکات انسان دانست؛ زیرا امید همان انگیزه و انرژی را در نهاد انسان جاری و او را در مقابل با مشکلات کمک و باعث حل مشکلات می‌شود و انسان به همین روال است که به اهداف خود می‌رسد. انسان بدون امید در جای خود ساکن و بدون فعلیت می‌باشد (عقب مانده).

در واقع انسان پیروز و موفق کسی است که در جایگاه انسان بودن (جایگاه خود) برای رسیدن به اهداف دست به تلاش و

ایستادگی بزند و رفته رفته خود را از زشتی و از بین رفتن (بیهودگی) برهاند و به زیبایی و جاودانگی نزدیک و نزدیکتر شود و اگر برخلاف این عمل کند به پوچی و بی‌ارزشی می‌رسد که برخلاف ذات و خاستگاه انسانی هست و در آینده مواجه با شکست و سرخوردگی می‌باشد. در این حالت انسان به نوعی قیچی می‌شود و از جایگاه خود بیرون می‌رود.

در این کتاب نیز علاوه بر این که با ناامیدی محض شروع و گاه به امید و گاه به ناامیدی می‌رسد انسان را سوی امید مطلق سوق می‌دهد؛ از سکوت شروع می‌شود و به فریاد می‌رسد؛ از بدبینی به اعتماد؛ از بدبینی به خوشبختی؛ از پوچی و فانی بودن به جاودانگی توجه شده است.

با سپاس

محمد رضا امیدی

«Behzad»

۹۳/۴/۲۹